



خسرو شاکری :
پیرامون زندگی سلطانزاده

اسناد تاریخی جنبش کارگری /
سوسیال مومکراسی کمیونیستی
ایران (۲۰)

فهرست

ویراستار	پیشگفتار
خسرو شاکری	پیرامون زندگی سلطانزاده
امیر حسین گنج بخش	اسلام و پان اسلامینم
بیژن حکمت	آیا عصری بنام سرمایه‌ها لایه‌ها هست؟
فرهاد گشا ورزگیلانی	نقش امپریالیسم انگلیس و ماهیت
فرهاد گشا ورزگیلانی	اجتماعی و اقتصادی رژیم پهلوی
فرهاد گشا ورزگیلانی	مسائل تکنوفی اقتصادی و انقلاب
فرهاد گشا ورزگیلانی	گشا ورزی ایران
فرهاد گشا ورزگیلانی	گنجه مسئله در چیست؟
فرهاد گشا ورزگیلانی	(نوشته‌ی "میرزا"، روتشتا پهن)
	شرکت ایرانیان در انقلاب اکتبر
	(نوشته‌ی ون. پلاستون)

آثار آوتیس سلطانزاده (۳)

به کوشش: **حکمت شاکری**
کشاورز گنج بخش

پادزهر

کتابخانه ملی ایران
کتابخانه مرکزی
کتابخانه تخصصی

پیرامون زندگی سلطانزاده

سلطانزاده کیست؟

این پرسشی است که بسیاری از رزمندگان و پژوهشگران مارکسیست ایرانی با آن روبرو بوده اند؛ این نویسنده نیز زمانی با این سؤال روبرو شد و مدت‌ها پاسخی بدان نمی‌یافت، و نخستین بار با این نام در کتاب روسیه و باختسیر در ایران نوشته‌ی جورج لنچافسکی (۱) آشنا شده بود.

نویسنده اخیر مدعی است که سلطانزاده همان میرجعفر جوادزاده، پیشه‌وری، صدر جمهوری دمکراتیک آذربایجان (سال‌های ۲۵-۱۳۲۴) است، که به نام نماینده حزب کمونیست ایران در کنگره‌های کمینترن شرکت می‌جست. همین ادعای بیش‌از اندازه جسورانه‌ی لنچافسکی نویسنده حاضر را بر آن داشت تا در جهت شناختن سلطانزاده و کشف حقیقت در مورد این فرزند برجسته‌کارگران ایران بکوشد، پرده‌ی ابهام را کنار زند و توطئه سکوت را در هم شکند.

کتاب حاضر که خواننده در دست دارد از جمله نتایج این تحقیقات است. کتاب

(۱) جورج لنچافسکی، *G. Lenanowski, Russia and The West in Iran, N.Y. 1948, p. 224.*

از مورخان ایران‌شناس آلمانی کمونیست به نام امریکاست. وی از پیشقدمان تاریخ‌نگاری معاصر خاورمیانه از دیدگاه خاص امپریالیست‌ها در این منطقه بوده، بسیاری از "مورخان ایران‌شناس" از دست‌پرورده‌های وی هستند. آثار وی در این زمینه اهمیت کلاسیک دارد است، و منبع اصلی بسیاری از پژوهش‌های بعدی قرار گرفته است. بسیاری، و از جمله سیهر ذبیح، نویسنده کتاب *جده* کمونیستی در ایران *The Communist Movement in Iran, Berkeley, 1966.*

در تدوین آثار خود، اساس کار را بر تحقیقات و موضع‌گیری‌های مورخ نامبرده استوار ساخته‌اند، این "مورخ بزرگ" اگر کمی به خود زحمت می‌داد به راحتی می‌توانست تفاوت هویت سلطانزاده و پیشه‌وری (جوادزاده) را به طوری که بعداً در متن این سر سخن خواهیم دید، دریابد. این که لنچافسکی یا دیگرانی که پیشه‌وری تاسی‌جسته‌اند، مانند روح‌الله رضانی و م. سمولانسکی *Soviet Foreign Policy and World Revolution, Princeton, 1965, p. 869.*

سلطانزاده را همان پیشه‌وری معرفی کرده‌اند، عمد داشته‌اند یا نه ما دقیقاً

کنونی ۴۶ سال پس از فقدان سلطانزاده نشر می یابد. انتشار این جلد سوم از آثار سلطانزاده به زبان فارسی تنها بدین علت حائز اهمیت نیست که شخصیت انقلابی ممتازی چون سلطانزاده را بیشتر به ما می شناساند، و بر گوشه های بسیار تاریکسی از جنبش کمونیستی ایران پرتو می افکند، بل از این نقطه نظر نیز شایسته توجه است که از محتویات آن بسیار می توان آموخت.

متأسفانه ترجمه همه آثار سلطانزاده از زبان روسی به فارسی هنوز میسر نشده است، در کتاب پیشین (جلد چهارم) ما تمام آثار وی را که به زبان های آلمانی، فرانسوی، انگلیسی یافته بودیم، منتشر کردیم، علاوه بر آن ها برخی را نیز از روسی به فارسی برگرداندیم. تنها یک مقاله به نقل از پیکار فارسی بود (که یکی از دوستان لطفاً در اختیار ما گذاشت). دیگر آثار این تئوریسین انقلابی ایرانی به تدریج ترجمه و نشر خواهند یافت.

گردآوری آثار سلطانزاده از اکتاف جهان کار آسانی نبوده است. همچنین تحقیق در مورد وی کاری سهل نبوده، با موانعی که برخی بر سر راه این پژوهش ایجاد کرده اند سال ها به طول انجامید، و هنوز به پایان نرسیده است. در جمع آوری ترجمه این آثار رفقا و دوستانی چند از بذل کمک دریغ نورزیدند. نویسنده و خواننده هر دو مدیون اینانند.



آوتیس سلطانزاده به سال ۱۸۸۹ میلادی (۱۲۸۶ شمسی) در خانواده ای از ارامنه شهر مراغه چشم به جهان گشود. دوران کودکی اش را در آذربایجان گذراند و از ۱۳ سالگی به منظور ادامه ی تحصیل به روسیه تزاری رفت و تا انقلاب کبیر اکتبر در آن کشور (سن پترزبورگ) زیست، و در سال ۱۹۱۲ به حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (گروه بلشویک) پیوست، و از فعالین مهم آن شد، بنا بر قول دائرة المعارف تاریخ شوروی (۲) از شرکت کنندگان فعال در انقلاب اکتبر بود. در سال ۱۹۱۹، بنا بر تصمیم شعبه خاورزمین بین الملل کمونیست (کمینترن) به تاشکند اعزام شد تا در آنجا به بسیج ایرانیان مقیم آن خطه بپردازد، و در مبارزه علیه تحریکات عناصر ضد انقلابی محلی و امپریالیست های انگلیسی شرکت جوید. در سال ۱۹۲۰ پس

→ روشن نیست، بهر تقدیر چه عمد و چه سهو، انطهاق هویت دوگانه ایستادن در کمونیست ایرانی دستکم اشتباهی است تا بخشودنی.

(۲) دائرة المعارف تاریخ شوروی *Sovetskaja Istoričeskaja Ensekopedija* در دائرة المعارف کبیر شوروی B.S.E. Vol. 13, Moskva, 1971, p. 951

جلد (۴)، چاپ مسکو، ۱۹۵۶ از آ. سلطانزاده یادی نمی شود.

از شرکت در کنگره خلق های خاورزمین ، به عنوان نماینده ایران ، همراه حیدر خان عموغلی ، مسئولیت عضویت در شورای تبلیغاتی کمینترن در خاور را عهده دار شد ، (۳) رضا روستا در مقاله اش در مورد حیدرخان - دنیا ، سال ۳ ، شماره ۴ - از سلطانزاده به عنوان رهبر حزب کمونیست ایران نام نمی برد و تنها حیدرخان را ذکر می کند . همچنین در مقاله "یادداشت هائی درباره ی شرکت ایرانیان مقیم روسیه - تزاری در حوادث انقلابی این کشور" - دنیا سال ۱۹۱۹ ، شماره ۴ - یادی از سلطانزاده نمی شود . این ها را نمی توان جز به عناد "مورخان" رسمی با کمونیستی چگونگی سلطانزاده دانست .

سلطانزاده در اواخر ۱۹۱۹ به عضویت حزب عدالت درآمد و از مبتکران تشکیل حزب (فرقه) کمونیست ایران و شرکت کننده ی فعال نخستین کنگره آن در شهر انزلی بود . (۴)

نخستین کنفرانس وسیع کمونیست های ایرانی در اوایل ماه آوریل ۱۹۲۰ در شهسوار تاشکند برگزار شده بود (۵) . چگونگی برگزاری این کنفرانس را می توان به اختصار در مقاله مربوط به صورت جلسات کنگره انزلی از قول خود سلطانزاده خواند (۶) . وی پس از برگزاری نخستین کنگره حزب کمونیست ایران (۷) عازم روسیه شوروی شد و به

(۳) نگاه کنید به صورت جلسات کنگره خلق های خاورزمین *Le Premier Congrès Des peuples de l'Orient, Bakou, 1920; réédition, Paris 1971*
 (۴) نگاه کنید به گزارش کنگره حزب کمونیست ایران (جلد چهارم اسناد) (چاپ اول) ص ۵۵-۵۴

(۵) صورت جلسات کنگره یکم حزب کمونیست ایران - *Die Kommunistische Internationale, No. 14*;
 (۶) نگاه کنید به جلد ۴ (ص ۵۹-۶۰) . خلاصه ای از این صورت جلسه در مجله دنیا (شماره ۲ سال ۸) نیز درج شده است . همین متن با تصحیح شده در صفحات ۶۵-۶۶ جلد نخست اسناد جنبش کمونیستی ... ایران تجدید چاپ شده است . در مورد تاریخ برگزاری و محل این کنفرانس نظریات مختلفی وجود دارد . مقاله مربوط به شرح حال نیکبین (دنیا ، سال یازدهم ، شماره ۳) بر اساس نوشته های رضا روستا و تقی ابراهیم اف (شاهیمن) پیدایش حزب کمونیست ایران ترجمه فارسی ، تهران سال ۱۳۶۰ ، ص ۵۷-۱۵۰) بر گذاری این کنفرانس را در سال های ۱۹۱۸ یا ۱۹۲۰ و در شهرهای تاشکند یا عشق آباد می داند . عبدالله کامبخش ، بدون ذکر ماخذ ، تاریخ ۱۳ آوریل را درست می داند (نظری به تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران - ص ۴۲) . امیر خیزی (دنیا - شماره ۴ سال ۱۱) تاریخ برگزاری این کنفرانس را اول آوریل ۱۹۲۰ می نویسد . ولی

عنوان نماینده‌ی این حزب در کنگره دوم بین الملل کمونیست شرکت جست. در کنگره دوم کمینترن به غیر از سلطانزاده دو تن دیگر از طرف حزب شرکت داشتند، یکی حسن اف (حسن زاده) و دیگری عوضراف (یا ابوجف یا عیوضی زاده ۸). در این کنگره سلطانزاده در کمیسیون‌های مسئله ارضی و مسئله مستعمراتی و ملی شرکت داشت. وی در زمره‌ی کسانی بود که لنین از ایشان خواسته بود طرحی درباره‌ی مسئله ملی و مستعمراتی ارائه دهند (۹). وی در نشست ۲۸ ژوئیه همیسن کنگره نظرات خود را در باره‌ی مسئله انقلاب در خاورزمین عرضه کرد (نگاه کنید به

→ سلطانزاده در مقاله‌ی سابق الذکر تاریخ آنرا آوریل ۱۹۲۰ و محل برگذاری آنرا ناشکند ثبت می‌کند. با ولوویچ آن را ۱۴ آوریل می‌نویسد (ص ۱۷ روسی پانویس ۵۶).

(۷) در مورد تاریخ برگذاری کنگره نخستین حزب کمونیست ایران نیز نظرات متفاوتی یافت می‌شود. برخی این تاریخ را ۲۰/۶/۲۰ دانسته‌اند (کامیخس - همان کتاب ص ۲۷ - و بار بدون ذکر ماخذ). ولی گزارش سلطانزاده از این کنگره در مجله کمینترن به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی تاریخ آن را ۲۲ ژوئیه یاد می‌کند به نظر ما می‌رسد که تاریخ ژوئن درست باشد و به دلایل زیر:

۱- این کنگره نمی‌توانسته همزمان با دومین کنگره کمینترن که از اواخر ماه ژوئیه تا اواسط ماه اوت ۱۹۲۰ در نشست بود، برگزار شده باشد؛ سلطانزاده در همدوی این کنگره‌ها حضور داشته است. افزون بر این طرح ارائه شده از جانب سلطانزاده به لنین بنا بر تقاضای لنین برای کنگره دوم کمینترن بین ۲۹-۲۴ ژوئیه ارائه شد. (در این مورد نگاه کنید به پانویس شماره ۹ همین سرسخن). هم چنین نباید فراموش کرد که سلطانزاده در نشست ۲۸ ژوئیه در دوسمین کنگره کمینترن سخنرانی‌ای ایراد کرد، حضور حتمی وی در هر دو کنگره بدین معنی است که کنگره انزلی در ژوئن برگزار شده بود.

99

۲- بنا بر نوشته‌ی کتاب *Soviet Russia And The East, Stanford, 1964, p.* روزنامه ایزوستیا مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۲۰، کنگره انزلی لنین و بریمان نریمانوف را غیاباً به ریاست افتخاری خود برگزید. این امر می‌رساند که کنگره در ژوئن برگزار شده بود.

۳- پرواودا ۱۶ ژوئیه نیز خبر برگذاری این کنگره را به اطلاع می‌رساند. در این مورد نگاه کنید به *Revue du Monde Musulman, Tome, 62, 1922, p. 147.*

۴- خود سلطانزاده در کتاب ایران کشونی (۵۹ص) تاریخ آن را ۲۲ ژوئن ذکر می‌کند

جلد ۴ صفحات ۵۱-۳) . در همین کنگره بود که وی به منزله نماینده‌ی احزاب کمونیست خاور نزدیک به عضویت کمیته اجرائی بین الملل کمونیست (کابک) انتخاب شد ، و در این سمت تا کنگره سوم انجام وظیفه کرد . وی در این دوران بسیار فعال بود . در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۰ در نشست کابک برضد رهبران ناسیونالیست خاور کسب می خواستند با قدرت های آناتانت نزدیکی کنند اتخاذ موضع کرد . در همین زمان بود که از نزدیک با رهبران برجسته بین الملل کمونیست چون لنین ، بوخارین ، تروتسکی ، زینوویف ، روزمر ، کوولج ، رادک ، وارگا و غیره همکاری داشت . (نگاه کنید به اعلامیه مربوط به پنجاهمین سالگرد کمون پاریس جلد چهارم اسناد صفحه ۱۷۳).

(جلد چهارم اسناد ص ۹۹) در مورد شرکت کنندگان در این کنگره نیز نظرات یساک، سان نیست ، برخی عقیده دارند که حیدر خان از مبتکران سرگذاری این کنگره بوده است . در کتاب *A. Bennigsen, Islam in the Soviet Union, London, 1967, p. 103.* آمده است که حیدر خان مازم رشت شد تا حزب کمونیست را تاسیس کند . یودین و نورت (*Budin and North, p. 99*) نیز همین عقیده را دارند ، لیکن دیگران معتقدند اگر چه ممکن است حیدر خان در کنفرانس تاشکند حضور داشته ، ولی در کنگره انزلی حاضر نبود . (مقاله رضا روستا در مورد حیدر خان ، دنیا - سال سوم شماره ۴) . روستا عدم حضور حیدر خان را در کنگره انزلی از جمله معلول اختلاف وی با سلطانزاده می داند . بهر حال خلاصه متن صورت جلسات کنگره انزلی *Die K.T. No. 14, 1921* عدم حضور حیدر خان را در این کنگره تایید می کند . افزون بر این اگر حیدر خان حضور می داشت ، دلیلی نمی توانست داشته باشد که پس از کنگره خلق های خاورزمین خواستار تجدید انتخابات کمیته مرکزی حزب شود ، در این مورد نگاه کنید به متن مقاله در زیر .

- (۸) حسن زاده (حسن اف) بدون تردید همان کریم نیک، بین (زرتشت) است . مقاله زین العابدین نادری نام خانوادگی وی را حسن اف ثبت می کند . علاوه بر این ، براساس اسناد خانوادگی کریم نیک بین روشن می شود که وی حتما در کنگره دوم کمینترن حضور داشت ، (دنیا - سال ۱۱، شماره ۲ - ص ۵۵-۴۸) . در مقاله مربوط به سیروس آخوندزاده (۱۱) از شخص به نام عوض اف نام برده می شود . به نظر می رسد این همان ابوچف باشد که در اسناد کنگره دوم کمینترن از او به مثابه نماینده ایران در کنار سلطانزاده یاد شده است . به احتمال قوی این تغییر در دگرنگاری نام وی از فارسی به روسی و از روسی به آلمانی صورت گرفته است .
- (۹) لنین در باره طرح ارائه شده ز طرف سلطانزاده به زبان آلمانی ، درحاشیه آن به روسی چنین نوشت :

پس از برکذاری کنکره نخست حزب کمونیست ایران ، و اتخاذ تصمیمات از طرف آن ، طی اشلافی بین کوچک خان سردار جنگل ، و حزب کمونیست ایران ، جمهوری سوویت ایران در کیلان به صدارت کوچک خان اعلام شد . در این دوران و از جمله در خسود جلسات کنکره نخست حزب بود که اختلاف شدید بر سر این که انقلاب را که باید رهبری کند و شعار آن چه باید باشد، مسئله ارضی را چگونه باید حل کرد و الخ اختلاف بین رهبران حزب در گرفت .

سلطانزاده مدعی است که وی به هنگام شرکت در کنکره دوم کمینترن نظرات خود را در این مورد به لنین عرضه داشته بود و لنین نیز آن ها را تایید کرده بوده وی در این مورد در کتاب ایران منتشره به سال ۱۹۲۲ ، مطلب را این طور بیان می دارد: ((از آن جا که عقاید مختلفی در باره این موضوع وجود داشت و بسیاری کسانی صحت خط تاکتیکی حزب کمونیست را به شدت مورد تردید قرار می دادند ، من بنا بر دستور کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در تابستان ۱۹۲۰ با لنین تماس گرفتم و از وی تقاضا کردم دستور العمل های لازم را برای کار آتیه به ما بدهد . در نشست کمیته مرکزی ، برخی از رفقا که حاضر بودند، و در میان آنان ارژونیکدزه ، که تحت تاثیر مسئله کنجه قرار داشتند ، کنجه ای که اخیرا سرکوب شده بود - آن لحظه را برای طرح شعار انقلاب ارضی در ایران مناسب نمی دانستند ، زیرا هراس داشتند این امر به شورش بی حساب توده های ناآگاه دهقانی تحت رهبری کولاک ها و ملاکان بیانجامد . رفیق لنین پس از استماع دقیق این مطلب ، تاکید کرد که ، در کشورهای عقب افتاده ای چون ایران که در آن بخش بزرگی از املاک در دست مالکان ارضی است ، شعار های انقلاب ارضی برای میلیون ها دهقان اهمیت بسیار زیادی را دارا است .

۱- انحطاط طبقات دارا و استثمار کننده ، ۲- قسمت اعظم اهالی را دهقانانی تشکیل می دهند که تحت استثمار قرون وسطائی قرار دارند ، ۳- صنعتگران کوچک ؛ در صنایع ، ۴- نتیجه گیری : انطباق [سازگار ساختن] استیپتوسیون های سویتی [نهادهای] انجمنین و همچنین حزب کمونیست (ترکیب آن و اهداف مشخص آن) در سطح کشورهای دهقانی خاور و مستعمره ، این جاست اصل مطلب . باید در مورد آن تعسق کرد و پاسخ های کنکره [ماسوس] را جستجو . " بینه تخریب در آمده در ۲۴ - ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۰ . لنین کلیات - (زبان فرانسه) - جلد ۴۲ ، ص ۲۰۱ ، در مورد تایید نظریه سازگار ساختن سوویت ها به او - دهقان در خاور توسط لنین همچنین نگاه کنکره به نطق لنین در دفاع از گزارش کمیسیون کنکره دوم کمینترن در کلیات ، جلد ۲۶ ، چاپ فرانسه ، ص ۲۵۰ .

و اما درباره شورش‌های دهقانی، این شورش‌ها در روسیه نیز رخ دادند و این بدین معناست که ما نباید سیاست‌ارزی خود را ترک‌گوئیم. طی بحث‌های بعدی نقطه نظر لنین مورد تایید زینوویف، بوخارین و دیگران قرار گرفت. سپس پس از پاولویچ و خود من پیشنهاد شد که کل این بحث را به شکل تیز مربوط به اوضاع ایران تنظیم و ارائه کنیم. پس از همه این‌ها، من پلافاصله نظرهای رفقای ما را در مورد موضوع قطعنامه کنگره [دوم کمینترن] به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران اطلاع دادم. مایه کمال تاسف ماست که حوادث با چنان سرعتی رخ دادند که انقلاب ایران نتوانست زیر فشار ارتش انگلستان و ارتش شاه دوام بیاورد و شکست خورد. (۱۰)

از جانب دیگر، برخی بر این ادعا هستند که لنین نظرهای حیدرخان را که در مخالفت با سلطانزاده قرار داشت، پذیرفت. در واقع همه مورخان شوروی از حیدرخان به مثابه "رهبر" حزب کمونیست ایران نام می‌برند و پیرامون وی هاله‌ای از افسانه ساخته‌اند. و این بی‌دلیل نیست، زیرا هنوز تاریخنگاری شوروی از زیر نفوذ استالینسیم رها نشده است که کوشیده است همه جا از تاریخ جنبش کمونیستی افسانه‌سازی کند (۱۱). لکن باید بر اساس تزه‌های مضمونه کنگره دوم کمینترن در مسکو خاور پذیرفت که بیشتر، ماده ۱۵ ملا، نظرات سلطانزاده تا نظرات حیدرخان مورد توجه لنین قرار گرفته باشد. به ویژه اگر در نظر بگیریم که نظرات روی (ROY) هندی در امر لزوم سرکردگی انقلاب دمکراتیک و سیله حزب پرولتری، که با نظرات سلطانزاده

(۱۰) سلطانزاده، ایران، مسکو، ۱۹۲۴، ص ۸۷-۸۵

(۱۱) رضا روستا، دنیا (سال ۳، شماره ۴) ص ۷۲-۶۰ و همچنین "چهره یک انقلابی کهنسال، سیروس آخوندزاده، دنیا (سال ۹، شماره ۴) ص ۹-۵۷.

(۱۲) نگاه کنید به ع. کامبخش، همان کتاب، ص ۱۴۳. دنیا، مال ۱۱، شماره ۲) ص ۲۲-۲۰، کنگره خاق‌های خاور زمین در روز ۸ سپتامبر در باکو به پایان رسید. در این کنگره ۱۹۲ ایرانی شرکت داشتند. به نظر می‌رسد انتخاب حیدرخان در اجلاسیه ای از کمونیست‌های ایرانی شرکت‌کننده در کنگره باکو انجام پذیرفته باشد. روستا در مقاله سابق‌الذکر این نشست را با نام وسیع حزب می‌نامد. آن چه مسلم است این است که این نشست و انتخاب حیدرخان به دبیر کلی حزب تحت نفوذ کمونیست آذربایجان و دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه شوروی (هر دو زیر نفوذ استالین از رفقای جوانی حیدرخان) انجام گرفت. در این مورد توجه کنید به متن مقاله و تصمیمات کمینترن. در مورد دخالت‌های رفقای قفقازی استالین در امور حزب کمونیست ایران و جنبش جنگل نگاه کنید به نامه‌های لنین به استالین و چپرین.

یکی بود ، نیز در کنکره دوم به مشابه "ترزهای تکمیلی" به ترزهای لندن مورد تصویب فرار گرفت. لکن پذیرش این نظر یا آن تر از جانب لندن به اختلاف درون حزب کمونیست ایران خاتمه نداد ، زیرا به زودی در ترکیب کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران تغییری رخ داد ، و اصولاً کمیته مرکزی جدیدی "انتخاب" شد و در ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ ، حیدرخان به خدات این کمیته جدید برگزیده شد . (۱۲)

در این مورد در مقاله یادشده رضا روستا چنین می خوانیم : ((در نتیجه اعتراضات سودهی حزبی [؟] و راهنمایی بین الملل کمونیستی از متون نقل شده در این مقاله دیده خواهد شد که رضا روستا چگونه در این مورد قلب حقیقت می کند . چند ماه پس از کنکره اول ، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد . در نتیجه ، رهبری انقلاب و حزب کمونیست ایران به دست توانمندی حیدرخان عمواغلی ، بنیادگذار نهضت سوسیال دموکراسی [؟] ایران افتاد سلطانزاده و آقایها [برادران آقا زاده] از ترکیب کمیتهی مرکزی اخراج [کذا] و سلطانزاده به مسکو منتقل شد . ولی خود سلطانزاده از انشعاب در حزب سخن می گوید (در این مورد نگاه کنید به ایران معاصر (جلد ۴ ، صفحات ۹۸-۱۰۰) . .

در مقاله دیگری ، در مجله دنیا نیز در این باره به قلب حقایق بر مبنای خوریم . مقاله ی "چهره یک انقلابی کهنسال ، سیروس آخوندزاده" [۱۱] می آورد ، ((پس از پایان کنکره [خلق های خاورزمین] سیروس آخوندزاده با رفیق دیگری

... لندن در نامه ۱۶ ژوئیه خود به چچین کمیسار امور خارجی می نویسد که روتشتاین از دخالت های دستر باکوی حزب باشویک در روابط ایران و شوروی شکایت دارد (جلد ۴۵ کلیات ، صفحه ۱۹۲) در نامه دیگری به تاریخ ۱۲ اوت همان سال به روتشتاین سفیر شوروی در ایران می نویسد که با "سیاست محتاطانه" وی موافق است ، ولی هنوز استدلال های "طرف دیگر" را شنیده است ، با این همه لندن معتقد است که "دلایل اساسی" وی "غیر قابل رد" اند (جلد ۴۵ کلیات ، ص ۲۲۹ و ۶۸۵) چاپ فرانسه ۱۹۷۰ تفسیر استثنایی این امر از قول مورخ شوروی ایوانووا را می توان در مقاله سابق الذکر روستا یافت ، یا در دو اثر خود ایوانووا : *Ivanova, M.N., Nacional'no-Osvoboditelnoje v Iran v 1918-1920, Moskva, 1961; Nacional'no-Osvoboditelnoje Dviženije v Gilanskoje Irana v 1920-1921, Soveskoje Vostokovedenije, No.3, 1966, Moskva.* در مورد مسئله کنکره خلق های شرق علاوه بر دو اثر یاد شده نگاه کنید به *Le Premier Congrès des Peuples de l'Orient, Documents Inédits, avec une Introduction de Cosroe Chaqueri, 1984, Antidote.*

به نام عوض افازا هالی نیفشه دره‌ی اردبیل ، به نمایندگی کمونیست‌های ایران — برای ملاقات با لنین عازم مسکو گردید . لنین با وجود کسالت شدید خود ، همسواره با استالین و چچین با نمایندگان خلق‌های شرق ، از جمله سیروس و عوض افاد در کرمین ملاقات کرده ، سیروس دشواری‌ها و نقایم‌کار حزب کمونیست ایران را به اطلاع لنین رسانید و تقاضای کمک نمود . در نتیجه‌ی راهنمایی‌های لنین ته‌سولات جدیدی در رهبری حزب کمونیست ایران به وجود آمد ، عده‌ای از افراد منشخت‌کنگره اول بنا بر گفته سیروس ، به علت "عدم لیاقت و سبب‌های دیگر " از کمیته مرکزی برکنار شدند و به جای آن‌ها نه نفر از کمونیست‌های هوادار موضع حیدر عمواظسی و سیروس به عضویت کمیته مرکزی گمارده شدند . ((توجه کنید سخن از گماردن است! باید تاکید کرد که این ادعای سیروس از بیخ و بن نادرست است . نخست این که تمام اسنادی که در این مقدمه بدان‌ها اشاره می‌رود " تغییر " کمیته مرکزی رادر ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ می‌دانند ، یعنی قبل از سفر سیروس به مسکو برای دیدار لنین (بسیار یادآور شد که کنگره خلق‌های خاور در ۸ سپتامبر پایان یافت و لنین می‌توان احتمال داد که این نشست پلنوم در روزهای ۹ ، ۱۰ ، و ۱۱ همان ماه برگزار شده باشد) . پس نمی‌توان این " تغییر " را مبتنی بر نظر لنین و دخالت وی دانست دیگر آن که دور به نظر می‌رسد که لنین شخصا تغییری را در ترکیب کمیته مرکزی روا دانسته باشد ، و آن هم بدون مشورت با دیگران و پس از یک دیدار کوتاه شناخته‌شده کسانی که می‌کوشند به اعتبار ملاقات کوتاهی با لنین با جعل حقایق آشکار (یسار حقایقی که بعدها آشکار خواهند شد) همه تاریخ را به سود نظرات خویش بنویسند ، در واقع از موضع ضعف حرکت می‌کنند و سرنوشتشان از نظر تاریخ بهتر از اسلاف شان نخواهد بود . اما اصل قضیه چه بود ؟

به طوری که از مصوبات کمیته اجرائی کمینترن (کابک) بر می‌آید ، سلطانزاده نه عضویت در کمیته مرکزی جدید را داشت و نه نظراتش مورد توجه این کمیته قرار گرفت . بدین سان کمیته مرکزی منتخب‌کنگره انزلی که در آن سلطانزاده ، حواد زاده پیشه‌وری ، برادران آقازاده ، چلنگریان و غیره عضویت داشتند * دیگر (از طسرف

* بنا بر گفته شاهین ابراهیم اعضاء کمیته مرکزی منتخب‌کنگره انزلی عبارت بودند از : سلطانزاده ، کامران آقازاده ، حوادزاده (پیشه‌وری) علی خانفہ نعمت بصیر ، محمد فتح الله بقره رحمت‌الله ، محمد علی حسین زاده ، حسین رحیمی اوغلسو ، سید قلی ، عیسی فتح وردی اوغلو . (همانجا ، ص ۱۹۳) .

شاهین در همان صفحه از ۱۵ عضو کمیته مرکزی صحبت می‌دارد ، اما تنها به دادن نام ۱۱ نفر از آنان بسنده می‌کند . بسیاری از مطالبیه مسئله کمیته " های " مرکزی حزب همچنان در پرده ابهام باقی مانده اند .

حیدرخان و هواداران کمیته قفقاز) کمیته مرکزی "معتبر" شناخته نمی شد. ولیسی سلطانزاده و رفقای هم عقیده اش همچنان به نام نمایندگان حزب کمونیست ایسوان در کنکره و اجلاس هی های کمیته ترین شرکت داشتند و از جانب کمیته ترین به رسمیت شناخته می شدند. و به ظن غالب از همین جا بود که میرجعفر جواد زاده پیشه وری در کنکره سوم کمیته ترین اعلام داشت که در ایران دو حزب کمونیست وجود داشت (۱۳). ولی به زودی کابک بدین اختلاف که در حزب کمونیست ایران و همچنین حزب کمونیست ترکیه وجود داشت پرداخت.

از اسناد کابک چنین بر می آید که کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان و دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه [در آن زمان هنوز حزب کمونیست شوروی تشکیل نشده بود] جناح حیدرخان را که مقابل سلطانزاده قرار داشت تقویت می کردند* و در امور داخلی حزب کمونیست ایران دخالت روا می داشتند. بدین جهت بود که اجلاس هی ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۱ کابک تصمیم زیر را اعلام داشت:

((در ایران تنها حزب کمونیست ایران به رسمیت شناخته می شود. مقصود کمیته مرکزی منتخب انزلی و نماینده وی سلطانزاده عضو کابک است. این تصمیم به اطلاع دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه و کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان [شوروی] خواهد رسید. اگر این تصمیم مورد توافق این دو ارکان اخیر قرار نگیرد، بایستی کمیته اجرائی کمیته ترین را مخاطب قرار دهند.)) (۱۴)

لکن به نظر می رسد که این تصمیم با توافق دو ارکان نامبرده رویو نشد و مسئله بار دیگر در اجلاس هی بعدی کابک عنوان شد. در نشست ۲۶ اوت ۱۹۲۱ تصمیم گرفته شد که کمیسیون مختلطی با شرکت رادک و بلاگون به مسایل مورد اختلاف در حزب کمونیست ایران و ترکیه رسیدگی کند. (۱۵) کابک در یک قرار بعدی تصمیم زیر را اعلام داشت:

((این تصمیم که در ایران تنها حزب کمونیست ایران به مشابه شعبه ی بیسی الملل کمونیست به رسمیت شناخته می شود، تأیید می شود. توجه حزب کمونیست آذربایجان به این امر جلب می شود که وی حق ندارد [در ایران] حزب کمونیستی

(۱۳) نگاه کنید به سخنرانی جوادزاده در *Protokoll der 111^o Kongresses der K.T., 22Juni-12Juli, 1922, Hamburg, 1921*

ترجمه فارسی از متن انگلیسی در جلد نخست اسناد (ص ۷۲)

(*) سلطانزاده در کتاب ایران ص ۷۸ به سارزه شدید اصولی با حیدرخان اشاره می کند.

(۱۴) نگاه کنید به *Die Taeligkeit der E.K. und des Praesidiums*

(۱۵) اسناد - برادره در ایران ص ۱۲۲/۲۲ Feb. 1921 bis 1 Feb. 22/۱۲۲ EKKI vom 13 Juli 1921 bis 1 Feb. 22/۱۲۲ n. 50.

به موازات [حزب کمونیست ایران] سازمان دهد. اگر حزب کمونیست آذربایجان [شوروی] نسبت به حزب کمونیست ایران اعتراضی داشته باشد بایستی آن را به اطلاع کمینترن برساند. این تصمیم هم چنین به اطلاع کمیسیون اعتبار نامه های کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه خواهد رسید. (((۱۶). شایسته ذکر است که کنگره چهارم کمینترن نیز از پذیرفتن دو نفر نمایندگان "دفتر خارجی" حزب کمونیست ایران در باکو، که شش ماه قبل از طرف کمینترن منحل اعلام شده بود، سر باز زد. (۱۷) ولی سر انجام معلوم نیست به چه علت (و به احتمال قوی زیر فشار شدید شخراستالین دبیر کل بلشوی حزب) اجلاس هفتم اکتبر ۱۹۲۱، کابیک تصمیم زیر را اتخاذ کرد: ((کمیته مرکزی که در نشست باکو برگزیده شده بود بدین شرط به رسمیت شناخته می شود که نمایندگان خراسان، سلطانزاده و جوادزاده را به عضویت بپذیرد. تنظیم دستور العمل های لازم به عهده رفقا صراف و رادک گذاشته می شود. (((۱۸)

از آن چه در بالا رفت به نیکی آشکار است که "تغییر" کمیته مرکزی، به سر خلاف نظر "مورخانی" چون روستا و سیروس آخوندزاده، نه بنابر دخالت لنین و نه فشار "توده حزبی" انجام گرفت، که در اثر دخالت و فشار حزب کمونیست آذربایجان و دفتر قفقاز حزب کمونیست روسیه، که هر دویشان زیر نفوذ استالین و رفقای قفقازی وی، چون ارژونیکیدزه، بودند، تحقق یافت. و این تغییر پس از نزاع زیاده در درون کمینترن، و آن هم پس از پذیرفتن سلطانزاده و جوادزاده "اخراج شده" به عضویت کمیته مرکزی، صورت رسمیت یافت.

بدین سان با پذیرفته شدن سلطانزاده به درون کمیته مرکزی (و این نیز پس از مرگ حیدرخان) حزب کمونیست، اختلافات حداقل از نظر سازمانی* بر طرف

(۱۶) سلطانزاده در کتاب ایران، ص ۱۶۲

(۱۷) نگاه کنید به Degras, J. *The Communist International*, Oxford, p. 374.

(۱۸) نگاه کنید به *Die Tætigkeit des KK ... Ibid*, pp. 225-6.

در مورد مسئله کمیته های مرکزی نگاه کنید به خسروشاکری حزب کمونیست ایران، تکوین، انکشاف و انحلال، ۱۹۳۲-۱۹۱۶، به زودی به زبان های انگلیسی و فرانسه منتشر خواهد شد.

(*) به نظر می رسد که "بیان نامه و پیشنهادات حتمی اجرای کمیته ایالتی خراسان فرقه اشتراکیون - اکتبرین ایران، عدالت" مرمبه اول ذی قعدة ۱۳۳۹، کار سلطانزاده و مزدیکان وی در مقابله با گروه حیدرخان بوده باشد. نگاه کنید به جلد اول اسناد صفحات ۶۳-۵۹

شده . (۱۹)

سلطانزاده در این دوران هم چنان به عضویت در رهبری کمینترن ادامه داد. تا آن جا که از اسناد کمینترن مستفاد می شود ، سلطانزاده در کنکره های چهارم و پنجم این سازمان شرکت نداشت . (۲۰) مجله دنیا (شماره ۲ ، سال ۱۶ مهر ۲۲-۲۱) مدعی است که سلطانزاده در کنکره چهارم حاضر بود ، ولی متأسفانه منبع این اطلاع را در اختیار نمی گذارد ، ولی در عوض از شرکت وی در کنکره ششم کمینترن ذکری نمی کند . نگاه کنید به سخنرانی های وی در کنکره ششم ، جلد ۴ ، مهر ۵۳-۱۴۲ . مجله دنیا ، هم چنین مدعی است که سلطانزاده در کنکره های ۱ تا ۵ پروفینترن شرکت جست (۲۱) . حداقل اسناد کنکره های یکم (۲۲) و چهارم (۲۳) پروفینترن از حضور سلطانزاده ذکری نمی کنند .

در مورد فعالیت سلطانزاده بین سال های برگزاری کنکره سوم کمینترن (۱۹۲۲) برگزاری دومین کنکره حزب کمونیست ایران (ارومیه) و بلافاصله کنکره ششم کمینترن (۱۹۲۸) اطلاع دقیق و زیادی در دست نیست . (۲۴) . تنها بر این آگاهی داریم که وی

(۱۹) در کنکره سوم کمینترن از طرف حزب کمونیست ایران ۵ نماینده شرکت داشت ، نام سه تن از آنان بر ما معلوم است : سلطانزاده ، جوادپیشه وری ، و آفازاده (آقایف) دو نفر اخیر در کنکره سخن گفتند . در این مورد نگاه کنید به جادهای ۱ و ۲ اسناد (۲۰) در کنکره چهارم کمینترن چهار نماینده شرکت داشتند که از میانشان تنها سیکو بیس سخن گفت . نگاه کنید به جلد نخست اسناد ، ص ۷۲ . در کنکره پنجم بیس دلایلی که بر ما مجهولند از حزب کمونیست ایران تنها دو نماینده و آن هم با رای مشورتی شرکت جستند . در میان اعضای کمیسیون های کنکره پنجم نیز نام نمایندگان ایران دیده نمی شود . آیا این عدم حضور به روابط ایران و شوروی مربوط بود؟

(۲۱) *PROFINTERN* خلاصه روسی بین الملل سندیکاهای کارگری سرخ است .
 (۲۲) *Ivyj Meždunarodnjij Kongres Revoljuonnikh Profesionalikh i Proizusternikh sajuzov - Ste,og. Records, June 1921, Moscow,*

به ذکری از نمایندگان ایران می کند و نه از سلطانزاده .

(۲۳) *I° Meždunaroddnjye Kongres Revoljuonnikh Professionalikh i Proizousternikh Sajuzov June, 1921, Moskva.* این سند به ذکری از نمایندگان ایران می کند نه از سلطانزاده . در این کنکره نمایندگان ایران شرکت داشتند و سعی از جانب شورای متحده کارگران ایران در اجلاس کنکره چهارم سخن گفتند . (سعی عزراغلام عبدالله راده) .
 (۲۴) به غیر از حضور وی در اجلاس ۱۲ ژوئن ۱۹۲۳ کمیته اجرائی کمینترن بیس کنکره های ۴ و ۵ و نیز انتشار کتاب او به نام ایران ، ۱۹۲۴ .

تا اواسط سال ۱۹۲۳ درون رهبری کمیسیون فعال بود. (نگاه کنید به گزارش، سوری مستخرج از بایگانی دولتی بریتانیا، در زیر — بر). . بیهر تقدیر در باره غیبت وی حدسیات مختلفی هست و تا زمانی که "مقامات رسمی" این نکات تاریک را روشن سازند، دقیقا دانسته نخواهد شد که وی به چه فعالیتی مشغول بود. به نظر می رسد که وی در آن زمان در ترکستان شوروی مشغول فعالیت بوده؛ برخی دیگر بر این حدس اند که در این زمان، یعنی دقیقا بین سال های ۲۷-۱۹۲۴ "مغضوب" بوده باشد. شاید به این دلیل که جزو اقلیتی بود که مبارزه برضد رضاشاه را درست می دانست. (نگاه کنید به کامبخش، همان کتاب، ص ۳۲ و ۱۲۷). احتمال دیگر این است که چون وی در سال های ۱۹۲۰ "انستیتوی پلخانیف" را، که مخصوص کادرهای برجسته و رهبران کمینترن بود، به اتمام رساند (۲۵). بعید به نظر نمی رسد که در این فاصله در انستیتوی نامبرده به آموزش مشغول بوده باشد. بیهر حال آن چه در این مورد شگفت انگیز است این است که از نویسنده یوکاری چون وی بین سال های ۲۷-۱۹۲۴ آشسوی یافت نمی شود. (۲۶). اطلاع دیگری که ما از زمان نگارش این نوشته در سال ۱۹۷۳ تا کنون کسب کرده ایم این است که سلطانزاده طی سال های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ به کارتاسیس بانک سوویت مسکو، ایجاد انستیتوی بانکداری شوروی، و سردبیری مجله بانکداری شوروی مشغول بود. او خود در مقاله ای که ما یافته ایم به این امر اشاره کرده است.*

بیهر تقدیر، "غیبت" نسبتا طولانی وی در اواخر سال ۱۹۲۷ به هنگام بسو گذاری کنگره دوم حزب کمونیست ایران به پایان رسید. وی در کنگره دوم حزب کمونیست ایران شرکت فعالانه داشت، و گزارش مفصلی وی از این کنگره که در مجله تئوریک کمینترن نشر یافت (نگاه کنید به جلد ۴، ص ۲۲-۱۶) حاکی از نقش موثر وی در کنگره ارومیه است. جای شگفتی است که هیچ یک از مورخان حزب شده و به ویژه آقای کامبخش (که به نظر می رسد قسمت اعظم مقاله خود را در مورد کنگره ارومیه

(۲۵) نگاه کنید به SIE دائرةالمعارف تاریخ شوروی، مسکو، ۱۹۷۱، ص ۹۵

(۲۶) کتاب بیبلیوگرافیا ایرانا (Bibliographia Irana) چاپ مسکو،

اشری را به نام وی در این دوران ذکر نمی کند.

(*) در این مورد نگاه کنید به زندگی نامه سلطانزاده در کتب زیر: Sultansade

Ecrits Economiques, Mazdak, 1980; The Forgotten Revolutionary Theoretician, Iranian Studies, 1984;

و به زودی The Forgotten Revol. Theoretician و به همین عنوان چند اثر

از سلطانزاده با مقدمه خسرو شاکری، انتشارات پادزهر، به انگلیسی ۱۹۸۲.

بدون ذکر ماخذ از سلطانزاده به استقراض گرفته باشد) سخنی در این مورد نگفته اند، مگر اردشیر آوانسیان (۲۷) که تنها یادآور می شود که سلطانزاده در نخستین پلنوم پس از کنکره دوم شرکت جست و گزارش مفصل چند روزه‌ای در باره‌ی میازره ضد امپریالیستی و استقلال ایران قرائت کرد.

پس از این دوران بود که سلطانزاده از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران (منتخب کنکره ارومیه) ماموریت یافت انتشار پیکار و ستاره سرخ (۲۸) را به عهده بگیرد. اردشیر آوانسیان در همین بخش از "خاطرات" خود می افزاید، سلطانزاده پیش از هر کس دیگری از اعضای کمیته مرکزی به کار ترجمه و نشر ادبیات مارکسیستی اشتغال داشت. بنا بر همین "خاطرات" نوشته‌های سلطانزاده به فارسی در نشریات حزب کمونیست ایران در خراسان نیز باید در آرشیوهای شوروی موجود باشد (۲۹). این نکته را نباید شکفته گذارد که مصوبات کنکره دوم که از اسناد بسیار درخشان و پرمحتوی جنبش کمونیستی ایران است تحت نظر مستقیم سلطانزاده تنظیم شده بود. این نکته را به خوبی می توان از مقایسه‌ای مصوبات با مقالات وی استنتاج کرد.

پس از برگذاری کنکره دوم حزب، سلطانزاده در کنار شرقی (و دو نفر دیگر با رای مشورتی) به منزله نمایندگان حزب کمونیست ایران در ششمین کنکره بیسن الملل کمونیست شرکت جست. نقش وی در این کنکره بسیار درخشان بود. در این کنکره، که با کنکره‌های قبلی کمیترین تفاوت داشت، سلطانزاده تنها در قلمرو مسائل ملی و مستعمراتی اظهار نظر نکرد، بلکه به مسائل حادی که جنبش کمونیستی جهانی با آن دست و پنجه نرم می کرد، نیز پرداخت. وی در این کنکره طی سه سخنرانی در اجلاس عمومی و بحث در کمیسیون برنامه، تزه‌های ارائه شده از جانب

(۲۷) مجله دنیا، شماره ۴، سال ۸۰.

(۲۸) پیکار در ایران و ستاره سرخ در وین منتشر می شد؛ آ. سلطانزاده مقالات خود را در این نشریات به امضای "سراغه" و "هرمز" منتشر می کرد. نگاه کنید به ص ۹۵.

(۲۹) باره‌ای از این مقاله‌ها را ما در جلد ششم اسناد از نو به چاپ رسانده‌ایم ترجمه برخی دیگر به زبان آلمانی در سه جلد کتاب زیر از آرشیو آلمان به چاپ رسیده‌اند:

Le Mouvement Communiste en Iran; The Revolutionary

Movement in Iran vs Great Britain and Soviet Russia; The Condi-

tion of the Working Class in Iran, Florence, 1979 et 1978.

هر سه به کوشش خسرو شاکری - برای ترجمه رساله او پیرامون سرمایه‌

مالی، نگاه کنید به همین مجلد.

رهبری کمینترن را مورد انتقاد شدید قرار داد. در مسئله ملی و مستعمرات —————
 به کلی گوئی گزارش دهنده سخت ایراد گرفت و خواستار شد که در مورد هر کشوری نظر
 دقیق ارائه شود. و تحلیل دقیق از اوضاع هر کشوری را خواستار شد. (نگاه کنید
 به جلد ۴ ونیز *Ibid* Le Mouvement Communiste en Iran) صفحات ۲۱۷ -
 ۲۲۴.) در بحث تئوریک مربوط به وضع سرمایه‌داری جهانی نظرات نیکو —————
 بخارین، تئوریسین حزب بلشویک و کمینترن را مورد انتقاد شدید قرار داد (جلد
 چهارم اسنادم ۱۹۴۴ در آستانه برگذاری کنگره ششم مقاله مفصل تئوریک وی در زمینه
 سوا به مالی در ارگان تئوریک کمینترن منتشر شد (همیسن مجلد) متاسفانه
 جلد دوم مذاکرات کنگره ششم که حاوی متن کامل مذاکرات کمیون برنامه است، که
 سلطانزاده در آن به رد نظرات تنظیم کنندگان طرح برنامه پرداخت، هرگز منتشر
 نشد (۳۰).

پس از کنگره ششم کمینترن سلطانزاده هم چنان در میان ایرانیان مقیم —————
 اروپا به فعالیت پرداخت و با نشر پیکار و ستاره سرخ، که علیرغم محدودیت
 های پلیسی که به طور وسیع به مناطق کارگری ایران فرستاده می شد، به کار سیاسی
 و تئوریک در میان مردم مشغول بود. از جمله ترجمه های منتشره از طرف جسوسوب
 می توان از مزدبها - سود و کار و سرمایه تالیف مارکس و مانیفست کمونیست اشو
 مارکس - انگلس یاد کرد. در این دوران آثار مهمی از وی در مورد ایران منتشر
 شد. فعالیت سلطانزاده را می توان تا سال ۱۹۳۱ دنبال کرد. پس از این تاریخ
 است که نه اثری از وی در دست است و نه می توان رد پای وی را جست. به نظر می
 رسد که سلطانزاده از جمله کسانی بوده باشد که در نخستین موج تصفیه های استالینی
 که به سال ۱۹۳۱ سراسر شوروی را فرا گرفت، مشمول "غیب" استالین و دستگسناه
 ترور وی افتادند. مقالات هیستریک یکی از نویسندگان مجله شوروی به نام خاور
انقلابی تحت نام "رنجیر" به نام واقعی گلیراس (یکی از کارگزاران پیشین تجاری
 روسیه شوروی در ایران) برضد سلطانزاده و نظرات سیاسی و تئوریک او به سال
 ۱۹۳۲، و بدون آن که به سلطانزاده حق دفاع داده شود، این نظر اخیر را تایید می
 کند. اتهامات وارده به سلطانزاده در مقالات "رنجیر" چنان است که خواننده را به
 این ظن راهنمایی می کند که آن مقاله ها در واقع امر در توجیه دستگیری و تبعید
 وی نگاشته شده بودند.

(۳۰) نگاه کنید به *J. Humbert-Droz, Mémoires, De Lénine à Staline, 1921-1931, Neuchâtel, 1971, p. 314; Inprekorr*
 خلاصه ای از صورت جلسات کمیسیون در *Sondernumber, No. 92, 28 Aug. 1928, p. 1725*
 نیز نشر یافته است. نگاه کنید به جلد ۴ م ۱۹۴۴.

بهر تغذیر ، از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۸ از سلطانزاده اثری در دست نیست .
 داثره المعارف تاریخ شوروی تاریخ تیرباران وی را ۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ (۲۶ خرداد ۱۳۱۷) می نویسد . و همین منبع شوروی می افزاید که سلطانزاده بر خلاف اصول قانونی " از بین برده شد " (سرکوب شد) ، و پس از مرگ (یعنی پس از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی) از وی اعاده حیثیت به عمل آمد . درباره ی مرگ وی به جز آن چه در بالا رفت اطلاع دقیقی در دست نیست . منابع غیر رسمی نیز اطلاع دقیقی نمی دهند . یکی از زندانیان دوران ترور استالینی که همراه پدرش به زندان افتاده بود در کتاب خاطرات زندانش (۲۱) می نویسد که وی در زندان خود شاهد خودکشی دو ایرانی بود . وی هم چنین می افزاید روی هم رفته در مدتی که وی محبوس بود ، ۱۲ تن از کمونیست های ایرانی دست به خودکشی زدند . وی می نویسد روزی طبیبی دستور مسکو (استالین) کمونیست های ایرانی الاصل دستگیر شدند . در مورد این سلطان نه محاکمه ای صورت گرفت و نه بازپرسی . دستگیرشدگان از دورسته بودند ، نخست آنان که تا قبل از انقلاب اکتبر در روسیه می زیستند ، دوم آنان که پس از ۱۹۲۹ به شوروی پناهنده شده بودند . چون قرار بود دسته اخیر را به ایران تحویل دهند و اینان حاضر بودند در زندان های شوروی بمانند و لی به ایران باز نگردند ، لذا به خودکشی اقدام کردند . اگر این قول را دقیق بدانیم ، آن گاه سلطانزاده در میان این گروه نبود ، زیرا وی تا قبل از انقلاب اکتبر مقیم روسیه بود . بدین سان نادرست نخواهد بود اگر نتیجه گرفته شود که سلطانزاده در زمره رهبران جنبش کمونیستی بود که به فرمان استالین به عناوین مختلف و از جمله " خائن " بسسه طبقه کارگر " جاسوس آلمان " ، " جاسوس امپریالیست های انگلیسی و فرانسوی " و غیره به میدان تیر باران فرستاده شدند . (نظیر همین اتهامات را خانم ایوانسوا ، مورخ " شوروی علیه سلطانزاده تکرار کرده است .) تعیین تاریخ مرگ وی در دائیره المعارف تاریخ شوروی می رساند که وی تیرباران شده است .

عبدالحمید کامبخش در مورد این مسئله در مقاله خود پیرامون " مسئله استالین " (۲۲) نیز بر آن دست رفتن سلطانزاده و سایر کمونیست های برجسته ایرانی

(۲۱) کودکی در زندان *P. Jakir, Kindheit in Gefangenschaft, Insel Verlag* ۱۹۷۲, pp. ۵۱-۵۵. روی مدودف نیز در کتاب خود ص ۲۲۱ از سلطانزاده

در ردیف رهبران جنبش جهانی کمونیستی که *Roy Medvedev, Let History Judge, London, 1972,* در تصفیه های استالینی تیرباران شدند یاد می کند .